info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۸۰۳
چهارشنبه / ۱۲ / اسفند / ۱۳۹۹
۱۹ / رجب / ۱۴۴۲
03 / March / 2021

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۲۳۲۳۸-۲۲۵۲۳۲۳۲-۰۲۶ فکس ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاصدک

اسفندنفس هایت

پلک های پنجره پُرست
از رد پای بهار
دلم اما
برای اسفندنفس هایت
عجیب تیره می کشد

مینا یارعلی زاده

تلنگر

خاطره بازی در «آی فیلم»

ساخت برنامه هایی با حال و هوای نوستالژیک درباره سریال ها و برنامه های موفق تلویزیون، مسبوق به سابقه است. در گذشته، که تماشاگران تلویزیون بیشتر بودند، این برنامه ها معمولاً گل می کردند و مخاطب بالایی داشتند. «قفره» (محمد صوفی- منصور ضیاطبار)، یکی از نخستین برنامه هایی بود که با این هدف ساخته شد و تازگی و طراوتی که داشت باعث می شد تماشاگر بسیاری داشته باشد و از آن الگوبرداری و تقلید شود. به تازگی شبکه «آی فیلم» که یکی از محبوب ترین شبکه های تلویزیون و به دلیل پخش سریال های قدیمی، هنوز پربیننده است، برنامه «۱۴ اینچ» را روی آنتن دارد. برنامه ای با اجرای امین زندگانی که در حضور دو میهمان، سریال های پربیننده و خاطره ساز گذشته را مرور می کند. بازیگرهای بسیاری در این سال ها روی صندلی اجرا نشسته اند، که اغلب ناموفق بوده اند. اجرا، تخصصی است که با راحت بودن مقابل دوربین و بیننده تفاوت دارد. به همین دلیل بازیگران، اغلب مجریان شکست خورده ای هستند که می توانند عامل انتخاب و امتحان یک برنامه باشند، اما معمولاً قادر نیستند ارتباط با مخاطب را در طولانی مدت حفظ کنند.

امین زندگانی، تاایتجا مجری مناسبی برای اجرای این برنامه است. تیتراژ پایانی را هم اگرچه درجه یک اجرا نکرده، اما قابل قبول و پذیرفتنی، خوانده است. او در اداره گفتوگو با کمند امیرسلیمانی و سیامک اطلسی (بازیگران پدرسالار) نمره قبولی می گیرد. دست کم، مثل بسیاری از مجری های تلویزیون- پرت و بی ربط به نظر نمی رسد و می تواند با اشاره هایش، بحث را با کیفیت تر کند. (مثل اشاره به رابطه توأم با احترام نادره خیرآبادی و جمیله شیخی در پشت صحنه سریال) نکته آزاردهنده در چنین برنامه هایی متن و شکل سؤال هاست که ربطی به اجرای مجری ندارد. در یک برنامه که حال و هوای خاطره بازی دارد می توان بحث جدی داشت و درست تحلیل کرد. قرار نیست نوستالژی را با سطحی نگری لشبام بگیریم. در برنامه «پدرسالار»، که کمند امیرسلیمانی نشان داد بر خلاف اغلب بازیگرها خوب صحبت می کند و تحلیل دارد، نکته ای که درباره روند ساخت سریال ها در گذشته اشاره کرد، موضوع مهم و شاید گل مصاحبه بود. او گفت در دهه هفتاد، سریالی ۲۶ قسمتی در ۹ ماه ساخته می شد و این روزها تلویحاً، روند نزولی تولید در تلویزیون را به یادمان آورد. «۱۴ اینچ» می تواند یکی از پربیننده ترین برنامه های تولیدی شبکه آی فیلم باشد، اگر مجری محترم، مجبور نباشد از جمله های تکراری برای سلام و احوال پرسی با مخاطبش استفاده کند و بگوید: «میهمان نگاه شما هستیم» و گروه نویسندگان برای طراحی سؤال ها و روند بحث با عوامل یک مجموعه موفق، بیش از کمی مطالعه و تحلیل کنند تا کیفیت مصاحبه و گپ بالاتر برود. رجوع به گذشته و پاسداشت تلاش هنرمندانی که بسیاری از آنها دیگر بین ما نیستند، سنتی نیکوست اما کیفیت این ادای دین و کلوش در گذشته است که این دست برنامه ها را دیدنی می کند. مهم این است که تعادل میان یک گپ دوستانه و مصاحبه ای با سؤال های جدی و عمیق، حفظ شود تا بیننده، فقط تصاویر آرشیوی نبیند و آموخته های هم از تماشای «۱۴ اینچ» داشته باشد.

محدثه واعظی پور
روزنامه نگار

فال ۳۹۷ — امروز با حافظ

من این مراد ببینم به خود که نیم شبی
به جای اشک روان در کنار من باشی
من ار چه حافظ شهرم جوی نمی‌ارزم
مگر تو از کرم خویش یار من باشی

فرانکی

گران گشتم به چشمش
بس که رفتم بی سبب سویش
مرا زین پای بی فرمان
چه ها بر سر نمی آید

صائب تبریزی

اذان ترج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۲۳	۰۶:۴۷	۱۲:۱۸	۱۷:۵۰	۱۸:۰۸

برگه

هیچ کس نمی تواند ما را بهتر از خودمان فریب دهد.

گوته

خبر

مقررات نظارتی کشورها برای تولید و مصرف بازی‌های دیجیتال

بازی‌های دیجیتال در حالی که زمینه‌ای برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است اما در عین حال نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق برای نظارت بر وضعیت تولید، توزیع و مصرف آن و آثار و تبعاتی است که محتوای بازی برای جامعه به همراه خواهد آورد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، مقررات نظارتی کشورهای حاضر در مناطق جغرافیایی مختلف شامل خاورمیانه، آسیای شرقی، اروپا، استرالیا و آمریکا در حوزه تولید، توزیع و مصرف بازی را بررسی کرده و اطلاعاتی از اقدامات انجام‌شده این کشورها در این خصوص را در اختیار قرار داده است.

در بخش مجوز فعالیت در حوزه بازی‌سازی، برای فعالیت در حوزه تولید و نشر، لازم است تا پیش از آغاز به‌کار مجوز دریافت شود. در کشورهای کره‌جنوبی، امارات‌متحده‌عربی و ایالات‌متحده آمریکا (در برخی از ایالت‌ها) این روند لازم است. رده‌بندی سنی الزامی بازی‌ها که باید پیش از انتشار صورت پذیرد، در این موارد نظارت‌های جدی پس از انتشار بازی برای جلوگیری از فروش بازی‌های غیرمجاز صورت می‌گیرد. در کره‌جنوبی، چین، آلمان، امارات‌متحده‌عربی، برزیل، ایالات‌متحده آمریکا، فرانسه، استرالیا، سنگاپور و برزیل رده‌بندی سنی اجباری است.

درخصوص مجوز انتظار بازی، علاوه بر مجوزهای مربوط به تاسیس شرکت یا مجوز رده‌بندی سنی، در مواردی به شکل خاص از مجوز انتشار بازی، چه برای بازی‌های داخلی و چه بازی‌های خارجی استفاده می‌شود. اگرچه این اقدام طبیعی از مجوز برخی از بازی‌های خاص را در بر می‌گیرد، در کشورهای چین، آلمان و امارات‌متحده‌عربی، بازی‌ها به این مجوز نیاز دارند.

رصد فعالان صنعت به‌صورت تعامل و رصد مداوم اقدامات فرهنگی بازی‌سازان و ناشران و اخذ گزارش‌های عملیاتی از تلاش‌های آنان برای توسعه فرهنگ مصرف که در کره‌جنوبی این نظارت صورت می‌گیرد درصد محتوایی مبتنی بر اصول قانونی که در این اقدام، بازی پس از نشر، در صورتی که محتوای ناقض قوانین کشور را داشته باشد (مانند محتوای جنسی، مذهبی، نژادی، سیاسی و...) با توجه به مفیاس تخلفات با واکنش حاکمیتی مواجه می‌شود و در مازای این رصد انجام می‌شود.

اگرچه این اقدام طبیعی از مجوز برخی از بازی‌ها در بازی‌سازان و ناشران و اخذ گزارش‌های عملیاتی از تلاش‌های آنان برای توسعه فرهنگ مصرف که در کره‌جنوبی این نظارت صورت می‌گیرد درصد محتوایی مبتنی بر اصول قانونی که در این اقدام، بازی پس از نشر، در صورتی که محتوای ناقض قوانین کشور را داشته باشد (مانند محتوای جنسی، مذهبی، نژادی، سیاسی و...) با توجه به مفیاس تخلفات با واکنش حاکمیتی مواجه می‌شود و در مازای این رصد انجام می‌شود.

نظارت بر محتوای تبلیغات به این صورت است که تبلیغات بازی باید در مورد محتوای آن شفاف‌سازی کرده و از ترویج قمار و فریب مشتری بپرهیزد. در کشورهای کره‌جنوبی و آلمان نظارت بر محتوای تبلیغات صورت می‌گیرد.

قوانین نظارت بر مسأله پول‌سازی از بازی، به این صورت است که در برخی کشورها اقدامات دقیقی برای نظارت بر وضعیت پول‌سازی از بازی و شفافیت شرایط و نحوه هزینه کرد اعمال می‌شود. این سیاست‌ها عمدتا ارائه اطلاعات مربوط به قیمت و درون پرداخت و امکان بازپرداخت وجه به والدین در مواردی که کودک بدون اجازه پرداخت انجام داده است را لزام‌آور می‌کند. کشورهای چین و بریتانیا این قانون نظارتی را دارند.

سفرنامه مارکوپولوی کرج

سفر به شرق؛ جرقه‌ای برای روشن کردن آتش درون

مهدی عبدی- بعد از سفر ناامید کننده به کشور آذربایجان و سفر خاطره انگیز با قطار به ترکیه، تصمیم گرفتم به شرق آسیا سفر کنم. به جایی خیلی دورتر از کشورهای اطرافم بروم و فرهنگی جدید را ببینم- در آن زمان ارزان ترین تورهای شرق آسیا مربوط به کشور تایلند بود.

تایلند از ۱۴۳۰ جزیره تشکیل شده که بعضی از این جزیره ها لوکیشن فیلم های معروفی بوده اند ولی من بعد از دیدن فیلم "ساحل" بود که شیفته طبیعت تایلند شدم. سفر اولم در سال ۸۸ و سفر دوم در سال ۸۹ بود. سایت های گردشگری نوپا بودند و اینترنت سرعتی نداشت که بشود اطلاعاتی مثل امروز به دست آورد، هر چند امروزه هم اطلاعات سایت های فارسی زبان قابل مقایسه با دیگر سایت های گردشگری دنیا نیست. از موبایل با دوربین باکیفیت یا اپلیکیشن هم خبری نبود، ولی قیمت دلار آن زمان حدود ۹۳۰ تومان بود.

شنبه بودم بهترین فصل برای سفر به تایلند فصل پاییز است و شلوغ ترین زمان هنگام سال نو میلادی. می دانستم زمستان ندارند و همیشه هوا گرم است ولی برای من که تا آن سن، همیشه چهار فصل را دیده بودم، اصلا ملموس نبود که در زمستان و سرما در دمای ۳۰ درجه باشم. تصوم از ژاتوبه برف و بابا نوئل بود، نه آفتاب و ساحل.

در سفرهای بعد بود که آرزو می کردم کاش گرفتن ویزا برای ایرانی ها به سادگی همین کشورهایی بود که در ابتدای جهانگردی شروع کردم. مبلغ ویزا و پاسپورت را به آژانس دادم و بعد از چند روز ویزا حاضر شد. در آن زمان نه گردش حساب و تمکن مالی می خواستند و نه خیلی از دردسرهای خاص که امروزه فقط برای ایرانی ها وجود دارد.

تایلند کشوری است با حدود یک سوم وسعت ایران که گستردگی اش مثل ایتالیا در طول آن است و با جمعیت حدود ۷۰ میلیون نفر در جنوب شرقی آسیا قرار دارد.

فاصله هوایی که باید بین تهران و بانکوک طی می کردم حدود ۵۵۰۰ کیلومتر بود. پس نقطه شروع سفرم بانکوک بود، بزرگ ترین و پرجمعیت ترین شهر این کشور. جمعیت بودایی ها در تایلند حدود ۹۵ درصد است و این می شد اولین کشور بودایی که می دیدم. بعد از دیدن مساجد و کلیساها در کشورهای اطراف نوبت آن شده بود که معابد بودایی را ببینم.

نام تایلند برگرفته از دو لغت تای و لند است به معنای سرزمین مردمان آزاد. زبان رسمی شان هم تایلندی است که می توان گفت برای دیگر کشورها کاملا ناشناخته است و بر پایه آوا استوار است. سختی زبان برایم موقعی مشخص شد که فهمیدم صحبت کردن مردها و زنه ا در تایلند با هم فرق می کند.

تصمیم گرفتم قبل از سفر کمی با الفبایشان آشنا شوم تا بتوانم حداقل در طول سفر تابلوها را بخوانم یا اگر بنزین آدرسی هستم راحت تر بپیایش کنم ولی وقتی الفبای ۴۴ حرفی شان را با تلفظ دیدم، با خودم گفتم چند کلمه کلیدی یاد میگیرم و بس.

فیل سمبل کشور تایلند است: فیل ها علاوه بر اینکه در نبردهای تایلند سهیم بودند، برای قرن ها در سراسر کشور کار می کردند. از فیل ها به جای ماشین آلات حمل چوب هم استفاده می شد.

آن ها را تا ۱۰ سالگی آموزش می دهند و بعد تا ۶۰ سالگی باید کار کنند.

پرواز مستقیم حدود شش و نیم ساعت بود. کشید و اختلاف ساعت دو و نیم ساعت بود. نمی دانم تلفظ نام فرودگاه امام خمینی هم برای تایلندی ها به اندازه تلفظ فرودگاه بین المللی سوواربانیومی که برای اولین بار در بلیط دیدم سخت است یا نه؟

ولی کلش فقط اختلاف در تلفظ بود، در همین چند ساعت پرواز گویی در زمان، به آینده سفر کرده بودم. فرودگاهی که دیدم اصلا با فرودگاه تهران قابل مقایسه نبود. فکر نمی کردم تایلندی ها این قدر از ما پیش رفته تر باشند من که با لباس گرم زمستانی وارد هواپیما شده بودم، موقع خروج از هواپیما تی شرت بر تن داشتم و اختلاف فرهنگی- تکنولوژی- آب و هوایی و همه چیز در همین چند ساعت خودش را نشان داد.

سفرم با تور بود و قرار بود بعد از خروج از فرودگاه با نماینده آژانس به محل اقامتم بروم. بین راه فرودگاه و هتل و در داخل اتوبوس لیدر محلی چند دقیقه ای صحبت کرد و این شد تمام اطلاعات تا آخر سفر. بعد از آن سفر متوجه شدم این افراد که در شرق آسیا مثلا لیدر محلی هستند نه تنها هیچ تحصیلاتی در زمینه لیدری ندارند بلکه کلا تعریفی که از تور مسافرتی در دنیا وجود دارد در این قسمت دنیا برای ایرانی ها وجود ندارد. سبک تورگردانی از ریشه در ایران مشکل دارد. آژانس ها صرفا بلیط پرواز می خرند و هتل رزرو می کنند و یک نفر محلی معرفی می شود که اگر تورهای داخلی شهری توسط مسافران درخواست شود، فقط آن را رزرو می کند.

ولی با تمام این تفاسیر برای سفر یک هفته ای به تایلند یا به کشورهای دیگر معمولا این گونه تورها از نظر هزینه مقرون به صرفه هستند.

آقای لیدر یک کاغذ به مسافران داد که در آن هزینه تورهای داخل شهر نوشته شده بود و قرار شد هر کسی تور می خواهد زنگ بزند و این آقا هماهنگ کند و حتی موقع اجرا هم خودش نبود. فکر می کنم امروزه هم هیچ تغییری در این سیستم به وجود نیامده و تورها کماکان با همین روال اجرا می شوند.

طولی نکشید تا به هتل سه ستاره ام در شهر رسیدم و اختلافی دیگر جرقا قیمت هتل هایشان از هتل های ما پایین تر است ولی امکاناتشان بیشتر؟

چند برابر شیک تر، برخوردهای خیلی دوستانه هتل دارای فروشگاه آرایشگاه دو استخر یکی در زیرزمین و یکی در طبقه هفتم و در ترامپ که موقع شنا می شد آسمان و ستاره ها را دید. لوازم داخل اتاق مثل یخچال و تلویزون که در ایران این اولین بار بود که از باغ گیاهان دیدن می کردم. در سفرهای بعدی هم در خیلی از کشورها چنین باغ هایی را دیدم. حتی در تهران خودمان هم باغ گیاه شناسی هست که در مقایسه با خیلی کشورها کیفیت بهتری دارد.

اتقدر چشم نواز و زیبا بود که می شد ساعت ها قدم زد و لذت برد. علاوه بر گیاهان و درختان کله خیلی از آن ها را تا آن زمان ندیده بودم. ساختمان هایی با طراحی و معماری منطقه داشت که می دانم برای تمام گردشگران مثل من تازگی داشت. نه اطلاعاتی در مورد معماری آن ها داشتم و نه اسمشان را می دانستم، فقط می دانستم با ساختمان هایی که تا به حال دیده بودم، کاملا فرق دارند و باز به این فکر فرو رفتم که چه قدر معماری مختلف در دنیا وجود دارد که من از آن ها اطلاعاتی ندارم و باید آن ها را ببینم.

چند دریاچه با پل های فلزی هم بود که قسمت های مختلف را به هم متصل می کرد. این جا جایی بود که طبیعت جلوه و تایلند خود نمایی می کرد و روح تایلند را بیشتر از هر جای دیگری حس کردم. کارگرانی زیادی در باغ مشغول کار بودند و هر بار نگاهم به آن ها می افتاد با گرمی و چهره خندان سلام می کردند. می دانم حقوقشان ناچیز بود و زندگیشان سخت ولی قیافه عبوس نداشتند و حداقل شکایت از این که چرا فقیر هستند را در چهرشان نشان نمی دادند در عوض با روی گشاده و خنده لبزی خویشان را به بازدید کننده ها هدیه می دادند.

تور شامل ناهار هم بود، یک میز بزرگ سلف سرویس که همه چیز غذایی داشت ولی در آن زمان تجربه امروز را نداشتم و غذاهای شرقی را دوست نداشتم این قدر شنیده بودم که غذاهای شرقی بد است و چیزهای عجیب می خورند که در ذهنم اثرش را گذاشته بود. برای همین با اینکه تنوع غذاها خیلی زیاد بود، نتوانستم لذت ببرم. ولی اگر تجربه امروز را داشتم لذتی می بردم وصف ناشدنی می دانستم کدام غذا با کدام سس لذیذتر می شود. مثل یک ایرانی که قرمه سبزی را هیچ وقت با شکر نمی خورد و می داند که باید آبلیمو را چاشنی غذایش کند در شرق هم باید بدانیم کدام غذا با کدام چاشنی لذیذ تر می شود. به هر حال آن روز از غذایم لذت نبردم.

و آخرین برنامه دیدن رقص سنتی و نمایش تایلندی بود. مراسم با لباس سنتی اجرا می شد و این لباس با لباس فروشندگان بازار شناور فرق داشت. فهمیدن موضوع نمایش در آن زمان کمی سخت بود، چرا که زبان انگلیسی را به خوبی امروز نمی دانستم. ولی رقصشان، زبان حرکات و نگاه بود. باز هم خاص تا به حال چنین حرکاتی ندیده بودم. با چوب های بلند بامبو هم موزیک اجرا می کردند و هم رقص.

امروزه بیشتر مردم از تایلند برداشتشان فقط خوش گذرانی شبانه و توریسم جنسی است ولی تایلندی که من دیدم متفاوت بود، بسته به نگاه آدم ها به سفر، لذت سفر هم تغییر می کند.

حیوان خانگی شان، لباس پوشیدن شان، عبادت شان همه چیز متفاوت بود، پس شاید آسمان همه جایک رنگ باشد ولی در سفر همیشه تفاوت های کشورهای دیگر زیباست.

بریده جراید

زنده باد مترجم

اعتماد: محسن آزموده- چاپ پنجم کتاب فلسفه کافت، نوشته اشتفان کورنر با ترجمه عزت‌الله فولادوند در ۲۳۰۰ نسخه منتشر شد. این خبر در حالت طبیعی شاید چندان جلب‌توجه نکند، اما در این روزگار وانفسا و کرونا و شرایط ناگوار اقتصادی، انتشار کتابی فلسفی آن هم در این شامرگان، عجیب و تامل برانگیز است. ناشرها معمولا معتقدند که کتاب‌ها هم مثل آدم‌ها سرنوشتی غیرقابل پیش‌بینی دارند و اقبال به یک کتاب مستلزم دست به دست هم دادن ابر و باد و مه و خورشید و فلک است. یعنی غیر از محتوا و پیام اصلی کتاب، شهرت نویسنده و احیانا مترجم، موضوع کتاب و تناسب آن با نیازهای جامعه و علایق روز، شکل و شمایل و ظاهر کتاب، نحوه توزیع، ناشر و حتی عنوان کتاب اهمیت دارد. البته اهل قلم می‌دانند که ای بسا کتاب‌هایی که همه موارد مذکور را رعایت کرده‌اند و در نهایت آن‌طور که باید و شاید، دیده نشده‌اند. کتاب فلسفه کافت اما عنوانی ساده دارد، بر خلاف آثاری با موضوع مشابه مثل بیداری از خواب دگماتیسم و ... موضوعش هم به هیچ عنوان مد روز نیست به خصوص که از زمان انتشار چاپ نخست ترجمه‌اش به فارسی در سال ۱۳۶۷، تا کنون سی و دو سال می‌گذرد و در این سال‌ها، نه فقط بسیاری از آثار خود کافت به فارسی ترجمه شده، بلکه کتاب‌های فراوانی هم راجع به فلسفه او، ترجمه و تالیف شده. نویسنده کتاب هم چندان شناخته‌شده نیست و این کتاب، احتمالا تنها کتاب ترجمه شده از او به فارسی است. اگرچه اهل فن می‌دانند که اشتفان کورنر (۲۰۰۰-۱۹۱۳) فیلسوف برینتایایی چک تبار، از کانت‌شناسان برجسته معاصر است که این کتاب، با عنوان کافت (۱۹۵۵) نخستین اثر اوست. او کتاب‌های دیگری هم نوشته از جمله «تفکر مفهومی» (۱۹۵۵و۱۹۵۹)، فلسفه ریاضیات (۱۹۶۰)، تجربه و نظریه (۱۹۶۶)، مفهوم کافت از آزادی (۱۹۶۷)، فلسفه چیست؟ پاسخ یک فیلسوف (۱۹۶۹) و مابعدالطبیعه: ساختار و کارکردش (۱۹۸۴).

ناشر کتاب فلسفه کافت، یعنی انتشارات خوارزمی، زمانی برای خودش کیا و بیایی داشت و از ناشران برجسته و مدرن ایران تلقی می‌شد. اما سال‌هاست که در نتیجه بی‌مهری‌ها و اتفاقات ناگوار، دیگر کار جدیدی منتشر نمی‌کند و عمدتا به بازنشر همان کتاب‌های سابق- که انصافا هم آثاری ارزشمند هستند- بسنده کرده و در زمینه توزیع و تبلیغ هم با ناشران تازه نفس یا مستقل، توان رقابت ندارد.

با در نظر گرفتن مجموعه موارد فوق، می‌توان تنها علت خوش اقبالی کتاب فلسفه کافت را مترجم آن دانست. عزت‌الله فولادوند (متولد ۱۳۱۴)، مترجم صاحب‌نام آثار فلسفی که همه علاقه‌مندان به فلسفه در ایران با نام و ترجمه‌های او آشنا هستند. ترجمه دقیق و روان و خواندنی دکتر فولادوند، از این کتاب، نه فقط جایزه کتاب سال ۱۳۶۹ فلسفه را برای او به ارمغان آورد، بلکه در طول سه دهه بعد، آن را به اصلی‌ترین و بهترین منبع دانشجویان فلسفه و علاقه‌مندان به اندیشه‌های فلسفی، برای آشنایی و ورود به جهان فکری ایمانوئل کافت (۱۸۰۴-۱۷۲۴م.) بدل ساخت. تا پیش از آن، غیر از ترجمه‌های سخت و پیچیده بعضی از آثار کافت، مثل ترجمه مشهور میرشمس‌الدین ادیب سلطانی از کتاب اصلی کافت با عنوان سنجش خرد ناب (۱۳۶۲)، تنها معدودی اثر درباره او به فارسی تالیف یا ترجمه شده بود که مهم‌ترین آنها این دو اثر بود: فلسفه نقادی کافت (۱۳۶۳) نوشته کریم مجتهدی و فلسفه کافت (۱۳۶۰) نوشته فردریک کاپلستون ترجمه منوچهر بزرگمهر که ترجمه بخشی از تاریخ فلسفه مشهور نویسنده است. فلسفه کافت کورنر اما یک مقدمه جامع و عالمانه هم دارد که در آن دکتر فولادوند در مقام یک متخصص اندیشه‌های کافت، به تفصیل و با دقت و البته با نثری ویراسته و پیراسته، به معرفی اندیشه‌های این بزرگ‌ترین فیلسوف عصر جدید می‌پردازد.

مجموع آنچه آمد، نشان می‌دهد که اقبال به کتاب فلسفه کافت، تنها به دلیل ترجمه خوب و زبان محکم و استوار و قابل فهم آن است. وقتی مترجمی متخصص و مسلط به زبان‌های مبداء و مقصد، کتاب خوب و روانی از یک نویسنده عالم ترجمه کند، می‌تواند امیدوار باشد که کتابش با گذشت سال‌ها، همچنان مورد توجه قرار بگیرد. امروز کتاب فلسفه کافت اشتفان کورنر، با ترجمه عزت‌الله فولادوند، نه فقط به علاقه‌مندان فلسفه کافت، اندیشه‌های او را می‌آموزد، بلکه به مترجمان و نویسندگان، شیوه نگارش صحیح و فارسی نویسی شیوا و روان و محکم و استوار را نیز می‌آموزد.

انتشار فراخوان جمع آوری قصه‌های نوروزی

ایبنا- شورای کتاب کودک در فراخوانی از مخاطبان خواست تا قصه‌های نوروزی شهر و دیارشان را با زبان و گویش بومی خود به صورت فایل صوتی یا تصویری برای شورا بفرستند.

در اطلاعیه شورای کتاب کودک با عنوان «قصه‌های نوروزی در جشن نوروز ۱۴۰۰» آمده است: «قصه‌ها و افسانه‌ها بخشی از میراث فرهنگی و ارزشمند اقوام ایرانی است. کمیته ترویج خواندن در شورای کتاب کودک (هلماد، کتابخانه‌ها»، گروه ترویج کتابخوانی» و «کمیته خدمات کتابداری برای کودکان با نیازهای ویژه (نابینا و کم‌بینایان، کودک بیمار، ناشنوا و کم‌شنوا») در آستانه بهار با هدف گردآوری و انتشار قصه‌های نوروز در جشن نوروز ۱۴۰۰، همه همراهان و علاقه‌مندان را به همکاری فرامی‌خواند.

قصه‌های نوروزی شهر و دیارتان را با زبان و گویش بومی خود به صورت فایل صوتی یا تصویری برای ما بفرستید. این قصه‌ها و افسانه‌ها در جشن نوروز ۱۴۰۰ در صفحه‌ها و کانال‌های ارتباطی شورای کتاب کودک در شبکه‌های مجازی گوناگون هم‌رسانی می‌شود. قصه‌های نوروزی تان را می‌توانید به ادمین این صفحات بفرستید:

شورای کتاب کودک @shorayeketabekoodak.
بامداد خنگو @bamdadlib
خدمات کتابداری برای کودکان بیمار @shora_ketab